

فهرست مطالب




مبحث اول: دادسرا (تحقیقات مقدماتی - مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم - اناطه - قرارهای تأمین کیفری)	۱۱
گفتار اول: قرار اناطه - مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم - اصل براءت:	۱۲
سؤال اول:	۱۲
سؤال دوم:	۲۶
سؤال سوم:	۳۱
سؤال چهارم:	۳۳
سؤال پنجم:	۳۵
سؤال ششم:	۴۹
گفتار دوم - تحقیقات مقدماتی دادسرا (احضار - جلب - قرار تأمین کیفری - دادسرای صالح):	۵۷
سؤال هفتم:	۵۷
سؤال هشتم:	۷۷
سؤال نهم:	۸۸
سؤال دهم:	۸۹
سؤال یازدهم:	۹۳
سؤال دوازدهم:	۹۷
سؤال سیزدهم:	۱۰۱
سؤال چهاردهم:	۱۰۵
سؤال پانزدهم:	۱۰۷
گفتار سوم - قرار توقف تحقیقات	۱۱۰

- سؤال شانزدهم: ۱۱۰
- گفتار چهارم - قرار منع تعقیب: ۱۱۲
- سؤال هفدهم: ۱۱۲
- مبحث دوم: دادگاه (دادگاه بدوی - تجدیدنظر - دیوان عالی کشور) ۱۱۵
- گفتار پنجم - دادگاه صالح (تعدد اتهام - صلاحیت ذاتی، محلی و شخصی - طرح مستقیم پرونده در دادگاه): ۱۱۶
- سؤال هجدهم: ۱۱۶
- سؤال نوزدهم: ۱۲۵
- سؤال بیستم: ۱۲۷
- سؤال بیست و یکم: ۱۴۹
- سؤال بیست و دوم: ۱۵۵
- سؤال بیست و سوم: ۱۵۶
- سؤال بیست و چهارم: ۱۵۷
- سؤال بیست و پنجم: ۱۶۳
- سؤال بیست و ششم: ۱۶۵
- گفتار ششم - تصمیم دادگاه در خصوص قرار اناطه ۱۶۷
- سؤال بیست و هفتم: ۱۶۷
- گفتار هفتم - مرجع تجدیدنظر خواهی یا فرجام خواهی ۱۷۰
- سؤال بیست و هشتم: ۱۷۰
- سؤال بیست و نهم: ۱۷۶
- سؤال سی ام: ۱۷۷
- گفتار هشتم - تشدید مجازات در مرجع تجدیدنظر ۱۹۶
- سؤال سی و یکم: ۱۹۶
- گفتار نهم - تعداد و کلا ۱۹۹
- سؤال سی و دوم: ۱۹۹
- گفتار دهم - اعتراض شخص ثالث در امور کیفری ۲۰۱
- سؤال سی و سوم: ۲۰۱
- گفتار یازدهم - گذشت شاکی ۲۰۵


۲۰۵.....	سؤال سی و چهارم:
۲۱۲.....	سؤال سی و پنجم :
۲۱۵.....	گفتار دوازدهم- رأی خلاف شرع
۲۱۵.....	سؤال سی و هشتم:
۲۱۹.....	گفتار سیزدهم- رأی اصراری
۲۱۹.....	سؤال سی و هفتم:
۲۲۱.....	گفتار چهاردهم- رأی غیابی -رد دادرس
۲۲۱.....	سؤال سی و هشتم:
۲۲۵.....	سؤال سی و نهم:
۲۳۰.....	سؤال چهلم:
۲۳۱.....	مبحث سوم: اجرای احکام کیفری
۲۳۲.....	سؤال چهل و یکم:
۲۳۷.....	مبحث چهارم: قوانین خاص آیین دادرسی کیفری
۲۳۸.....	سؤال چهل و دوم :
۲۴۴.....	سؤال چهل و سوم:
۲۵۲.....	سؤال چهل و چهارم:
۲۵۴.....	سؤال چهل و پنجم:
۲۶۲.....	سؤال چهل و ششم:
۲۶۵.....	سؤال چهل و هفتم:
۲۷۱.....	مبحث پنجم: ضمایم (آراء وحدت رویه جدید و مرتبط)
۲۷۲.....	رأی وحدت رویه شماره ۱ :
۲۷۲.....	رأی وحدت رویه شماره ۲ :
۲۷۳.....	رأی وحدت رویه شماره ۳ :
۲۷۳.....	رأی وحدت رویه شماره ۴ :
۲۷۴.....	رأی وحدت رویه شماره ۵ :
۲۷۴.....	رأی وحدت رویه شماره ۶ :
۲۷۵.....	رأی وحدت رویه شماره ۷ :

- ۲۷۵ رأی وحدت رویه شماره ۸ :
- ۲۷۶ رأی وحدت رویه شماره ۹ :
- ۲۷۶ رأی وحدت رویه شماره ۱۰ :
- ۲۷۷ رأی وحدت رویه شماره ۱۱ :
- ۲۷۷ رأی وحدت رویه شماره ۱۲ :
- ۲۷۸ رأی وحدت رویه شماره ۱۳ :
- ۲۷۸ رأی وحدت رویه شماره ۱۴ :
- ۲۷۹ رأی وحدت رویه شماره ۱۵ :
- ۲۸۰ رأی وحدت رویه شماره ۱۶ :
- ۲۸۰ رأی وحدت رویه شماره ۱۷ :
- ۲۸۱ منابع و مأخذ



مبحث اول: **دادسرا**

**(تحقیقات مقدماتی - مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم - اناطه -
قرارهای تأمین کیفری)**



گفتار اول: قرار اناطه - مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم - اصل برائت

سؤال اول:

احمد به دادسرای عمومی و انقلاب شکایتی مبنی بر اینکه تقی که در همسایگی ایشان در یک مجتمع مسکونی سکونت دارد با سوءاستفاده از غیبت او با در دست داشتن کلید یدکی، اتومبیل او را به سرقت برده است. بازپرس متهم (تقی) را احضار، نامبرده در مقام دفاع ضمن تکذیب شکایت شاکی اظهار می دارد اتومبیل را از شاکی خریداری نموده و بهای آن را در حضور شهود نقدا پرداخت کرده است. بازپرس جهت رسیدگی به اصل مالکیت مستنداً به ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری قرار اناطه صادر، به ذینفع اعلام می نماید برای اثبات مالکیت خود اقدام نماید. تقی به این قرار معترض و معتقد است بازپرس در این مورد باید رأساً به امر مالکیت رسیدگی و اظهار نظر نماید و صدور قرار اناطه فاقد وجهت قانونی است. اکنون با توجه به شرح متن، نظر مثبت یا منفی خود را نسبت به تصمیم بازپرس و ادعای تقی با استدلال و استناد به قانون بیان نمایید.

(مرکز - ۱۳۹۳)

تحلیل سؤال:



دادسرا:

دادسرا، به عنوان یکی از مهم ترین ارکان نظام قضایی هر کشوری محسوب می گردد. تشکیل سازوکار و نهادی به نام نهاد «تعقیب»، بستر آن ابتدا در فرانسه فراهم شد پس از آن به سایر کشورها تسری یافت. بعد از انقلاب مشروطه و تأسیس دادگاه های عرفی، نهاد مزبور وارد سیستم قضایی کشور ایران شد. نهاد دادسرا برای نخستین بار با عنوان «اداره مدعی العموم» متولد شد که سابقه تشکیل آن به قانون اصول تشکیلات عدلیه (مصوب ۱۳۰۶) باز می گردد. بعد از انقلاب اسلامی در خصوص تحولات نظام دادرسی قضایی کشور سه دوره مهم قابل تأمل است ۱- دوره اول (۱۳۵۷ تا ۱۳۷۳) ۲- دوره دوم (۱۳۷۳ تا ۱۳۸۱) و ۳- دوره سوم (بعد از سال ۱۳۸۱). بعد از انقلاب، لایحه تشکیل دادگاه های عمومی مصوب ۱۳۵۸ موجودیت نهاد دادسرا را

تأیید نمود. با حاکمیت نسبی نظام دادرسی اسلامی، در سال ۱۳۶۱ با توجه به قانون اصلاح موادی از قانون آیین دادرسی کیفری، مشکلات شرعی این نهاد نمایان گردید.

دوره اول (۱۳۵۸ تا ۱۳۷۳)، بیشتر به اسلامی کردن رسیدگی های قضایی و پاک کردن آن از شیوه های غلط طاغوت توجه داشت. **دوره دوم (۱۳۷۳ - ۱۳۸۱)**، که حذف دادرسی نیز در این دوره اتفاق افتاد و دادگاهها را با صلاحیت عام جایگزین نمود که بیشتر هدف اسلامی کردن نظام دادرسی بود. از موارد حذف دادرسی در سال ۱۳۷۳ این بود که در دادرسی اسلامی باید همه اشخاص به سهولت به قاضی دسترسی داشته باشند به علاوه اقرار متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی و در نزد بازپرس یا دادستان فی نفسه ارزش ندارد و اقرار باید نزد قاضی من بیده الحکم صورت پذیرد و دیگر اینکه اصل وحدت قاضی است و قطعی بودن رأی قاضی شرع. لذا اندیشه حذف دادرسی به عنوان امر تحقیقات مقدماتی و تعقیب بر همین مبانی شرعی استوار بود بیشتر شدت یافت. اگرچه مراجعه مستقیم به قاضی دادگاه، از ابتدای سازمان جدید دادگستری وجود داشته است و شاید ابتکار جدیدی در راستای اسلامی کردن نظام دادرسی کیفری تلقی نشود.

لیکن حذف دادرسیها، در عمل نه تنها آنچه مورد انتظار بود را تأمین نکرد بلکه سبب مشکلات عدیده دیگری شد. از سوی دیگر، تشکیل دادگاههای با صلاحیت عام که متضمن رسیدگی به تمام امور کیفری و حقوقی و حسبی و ... باشد به دلیل لزوم تخصص در این امور، قابل تأمل بود. **دوره سوم (۱۳۸۱ به بعد)**؛ به نوعی دوره بازگشت نظام قضایی کیفری ایران به دوران قبل از اصلاحات سال ۱۳۷۳ می باشد. اگر چه در سال ۱۳۷۳ تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب، در چارچوب برداشتی از مقررات شرعی تدوین شده بود لیکن در رسیدن به اهداف مورد نظر خود از جمله سرعت در رسیدگی و کاهش تراکم کار محاکم و در عین حال اجرائی کردن مجازات های شرعی چندان توفیقی نداشت به علاوه سبب افزایش اشتباه به دلیل سیستم وحدت قاضی گردید. لذا مجدداً دادرسی به سبب اقتضائات اجتماعی و عدم تعارض با نظام دادرسی، احیا گردید (بابائی، ۱۳۸۷: صص ۶۰ - ۸۴) و در چرخه نظام قضایی وارد گردید.

دادرسی اصولاً، مرجع تعقیب و تحقیقات مقدماتی شکایت کیفری است. دادرسی به عنوان نهادی در دادگستری می باشد که در معیت دادگاهها انجام وظیفه می نماید. به منظور کشف جرم، تعقیب متهم، انجام تحقیقات، حفظ حقوق عمومی و اقامه دعوی لازم در این مورد، اجرای احکام کیفری، انجام امور حسبی و سایر وظایف قانونی، در حوزه قضایی هر شهرستان و در معیت دادگاههای آن حوزه، دادرسی عمومی و انقلاب و همچنین در معیت دادگاههای نظامی

استان، دادسرای نظامی تشکیل می‌شود (ماده ۲۲ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲). دادسرا به ریاست دادستان تشکیل می‌شود و به تعداد لازم معاون، دادیار، بازپرس و کارمند اداری دارد (ماده ۲۳ ق.آ.د.ک.). در حوزه قضایی بخش، وظایف دادستان بر عهده رییس حوزه قضایی و در غیاب وی بر عهده دادرس علی‌البدل دادگاه است (ماده ۲۴ ق.آ.د.ک.).

به تشخیص رییس قوه قضاییه، دادسراهای تخصصی از قبیل دادسرای جرایم کارکنان دولت، جرایم امنیتی، جرایم مربوط به امور پزشکی و دارویی، رایانه‌ای، اقتصادی و حقوق شهروندی زیر نظر دادسرای شهرستان تشکیل می‌شود. انجام وظایف دادسرا در مورد جرایمی که رسیدگی به آنها در صلاحیت دادگاهی غیر از دادگاه محل وقوع جرم است، به عهده دادسرای است که در معیت دادگاه صالح انجام وظیفه می‌کند مگر آنکه قانون به نحو دیگری مقرر نماید (مواد ۲۵ و ۲۶ ق.آ.د.ک. ۹۲).

دادسرا، هم در برابر شاکی و مشتکی عنه و هم در برابر دادگاه استقلال دارد. ماده ۳ ق.آ.د.ک. ۱۳۹۲ در این خصوص تصریح می‌نماید: «مراجع قضایی باید با بی‌طرفی و استقلال کامل به اتهام انتسابی به اشخاص در کوتاه‌ترین مهلت ممکن، رسیدگی و تصمیم مقتضی اتخاذ نمایند و از هر اقدامی که باعث ایجاد اختلال یا طولانی شدن فرآیند دادرسی کیفری می‌شود، جلوگیری کنند». دادسرا در مقابل دادگاه نیز استقلال دارد یعنی اینکه، دادگاه نمی‌تواند دادسرا را مجبور به تعقیب کیفری نموده و یا دستور دهد که دادسرا در پرونده ای کیفرخواست صادر نکند؛ ماده ۳۶۳ در این خصوص بیان می‌کند: «هرگاه در حین رسیدگی، جرم دیگری کشف شود که بدون شکایت شاکی قابل تعقیب باشد، دادگاه بدون ایجاد وقفه در جریان رسیدگی، حسب مورد، موضوع را به دادستان یا رییس حوزه قضایی مربوط اعلام می‌کند». همانگونه که در ماده مزبور آمده، دادگاه تنها «اعلام کننده» جرم به دادستان (دادسرا)، است.

دادسراهای موجود در نظام قضایی ایران عبارتند از: دادسرای عمومی و انقلاب، دادسرای دیوان عالی کشور، دادسرای ویژه روحانیت و دادسرای نظامی (خالقی، ۱۳۹۷، ج ۲، ص ۴۸).

ماده ۲۹۱ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ که در مورد انجام تحقیقات توسط دادسرای دیوان عالی کشور است چنین بیان می‌کند: «در مواردی که مطابق قانون، تعقیب و رسیدگی به تخلفات مقامات و مسؤولان کشوری به عهده دیوان عالی کشور است، اقدامات مقدماتی و انجام تحقیقات لازم توسط دادسرای دیوان عالی کشور صورت می‌گیرد».

به موجب ماده ۲۲ ق.آ.د.ک. ۱۳۹۲، «به منظور کشف جرم، تعقیب متهم، انجام تحقیقات، حفظ حقوق عمومی و اقامه دعوی لازم در این مورد، اجرای احکام کیفری، انجام امور حسبی و سایر

وظایف قانونی، در حوزه قضایی هر شهرستان و در معیت دادگاه‌های آن حوزه، دادرسی عمومی و انقلاب و همچنین در معیت دادگاه‌های نظامی استان، دادرسی نظامی تشکیل می‌شود». بنا بر این، دادرسی بخش و دادرسی استان وجود ندارد (خالقی، ۱۳۹۷، ج ۱، ص ۴۹).

الف) دادخواست - شکوائیه:

دادخواست اصولاً، به دادگاه‌های حقوقی و در مواردی به دادگاه‌های کیفری تقدیم می‌شود. دادخواست باید به زبان فارسی و در روی برگ‌های چاپی مخصوص باشد و حاوی نکاتی از جمله نکات ذیل باشد: ۱- نام و نام خانوادگی، نام پدر، سن، اقامتگاه و حتی امکان شغل خواهان ۲- نام، نام خانوادگی، اقامتگاه و شغل خوانده ۳- تعیین خواسته و بهای آن ۴- تعهدات و جهات استحقاق خواهان ۵- آنچه خواهان از دادگاه درخواست دارد ۶- ذکر ادله و وسایل اثبات ادعا (ماده ۵۱ ق.آ.د.م.).

شاکی یا مدعی خصوصی می‌تواند شخصاً یا توسط وکیل شکایت کند. در شکوائیه موارد زیر باید قید شود:

الف - نام و نام خانوادگی، نام پدر، سن، شغل، میزان تحصیلات، وضعیت تأهل، تابعیت، مذهب، شماره شناسنامه، شماره ملی، نشانی دقیق و در صورت امکان نشانی پیام نگار (ایمیل)، شماره تلفن ثابت و همراه و کدپستی شاکی

ب - موضوع شکایت، تاریخ و محل وقوع جرم

پ - ضرر و زیان وارده به مدعی و مورد مطالبه وی

ت - ادله وقوع جرم، اسامی، مشخصات و نشانی شهود و مطلعان در صورت امکان

ث - مشخصات و نشانی مشتکی‌عنه یا مظنون در صورت امکان (ماده ۶۸ ق.آ.د.ک. ۹۲).

ب) احضار در دادرسی:

احضار متهم:

اصولاً، اولین اقدامی که نسبت به متهم صورت می‌پذیرد «احضار» وی است. با بکار بردن کلمه «اصولاً»، مواردی که بدون احضار متهم، دستور دستگیری یا جلب وی صادر می‌شود، استثناً گردیده است. بازپرس نباید بدون دلیل کافی برای توجه اتهام، کسی را به عنوان متهم احضار و یا جلب کند (ماده ۱۶۸ ق.آ.د.ک. ۹۲). احضار متهم به وسیله احضاریه و در فرم‌های بخصوصی به عمل می‌آید. احضاریه در دو نسخه تنظیم می‌شود که یک نسخه از آن به متهم ابلاغ می‌گردد و نسخه دیگر پس از امضاء به مأمور ابلاغ مسترد می‌شود (ماده ۱۶۹ ق.آ.د.ک.).